



پیام باستان‌شناس

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۴۲۸۵

شاپا الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۸۸۶

دوره ۱۶، شماره ۳۰، بهار و تابستان ۱۴۰۳



سیر تحول اسطوره‌فَر در ادبیات کهن و نوشته‌های دینی ایران باستان و بازتاب آن در نمادها و نشان‌های نقش‌برجسته شاهنشاهان ساسانی تاق‌بستان

فرهاد رحمانی تالاندشتی^۱، میرزا محمد حسنی^۲، مرتضی حصارى^۳

۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران قبل از اسلام، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲ استادیار، گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. نویسنده مسئول: mohamadhassani68@yahoo.com

۳ دانشیار، گروه باستان‌سنجی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله:	چکیده
تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۲/۲/۳ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۸	یکی از ویژگی‌های مهم ایران در آغاز فرمانروایی ساسانیان اتحاد نزدیک میان دین و دولت برای حفظ یگانگی کشور بود. تحکیم پایه‌های قدرت توسط دین و توسعه دین با کمک نیروی سیاسی و نظامی از ارکان تفکر بنیان‌گذاران ساسانی می‌باشد. در آن روزگار دین و رهبری مذهبی در بسیاری از جریانهای سیاسی و فرهنگی و حتی هنری دخالت عمده داشتند. هنرمندان ساسانی با الهام از دانش موبدان زرتشتی و کتاب اوستا که همواره دین و اسطوره در آن ترکیب یافته‌است در طراحی و نقش‌پردازی کتیبه‌ها و نقش‌برجسته‌های ساسانی سمبل‌های اسطوره‌ای را با تصاویر تاریخی درهم آمیختند و نهایت دقت را در نظر داشتند که ترکیب دین و اسطوره در شکل نماد و نشان در نقش‌برجسته‌ها تجلی‌یابد. این رابطه تنگاتنگ چه از لحاظ هنری و ظاهری و چه از دیدگاه فرهنگی و معنوی تعلق بزرگی به اسطوره‌های کهن ایرانی دارد. سؤالی که در این پژوهش مطرح است این است که؛ ایزد مهر، ایزد وای و ایزد بهرام بخشاینندگان فَر ایزدی چگونه در نمادها و نشانهای تاق‌بستان در بخشیدن فَر به شاهنشاه ساسانی تجسم یافته‌اند؟ نمادهایی مانند هلال ماه، دو فرشته در اهتزاز، روبانهای موج در باد، طرح‌ها و ثمل‌های نقش‌بسته بر لباس شاهنشاه و دو گیاه حجاری شده در پای تاق‌بزرگ تاق‌بستان چگونه با ایزد مهر و دیانت میترا و بخشش فَر ایزدی در ارتباطند؟ فَر ایزدی که با آفرینش گیاه آغازین مشی و مشیانه از تخمه کیومرث به درخشش درآمد، به جمشید که چون ماه می‌درخشید سپرده شد و چون جمشید دروغ‌گفت، ایزد مهر فَر مقدس را از اوستا برد. سرانجام ایزد مهر تخمه شاهنشاهان ساسانی را برگزید، فَر مقدس در وجود شاهنشاهان ساسانی ودیعه داده شد و به تجلی درآمد و آنان چهر از ایزدان شدند و به مانند ایزد مهر، فَر بر گرد سر شاهنشاهان ساسانی به تابش درآمد. در این پژوهش، بر اساس رویکرد تحلیلی و توصیفی نمادها و نشان‌های حجاری ساسانی تاق‌بستان کرمانشاه در قالب اندیشه‌های دینی میتربی و اسطوره‌فَرستانی مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد و به این نتیجه می‌رسد که هنر ساسانی تاق‌بستان در قالب نماد و نشان نقش‌بسته در تاق‌بزرگ و کتیبه اردشیردوم ساسانی همگی ریشه در باور مهرپرستی دارد و ارمغان فَر توسط ایزد مهر به شاهنشاه ساسانی سپرده شده است.

* استناد: رحمانی تالاندشتی، فرهاد، حسنی، میرزا محمد، حصارى، مرتضی (۱۴۰۳). سیر تحول اسطوره‌فَر در ادبیات کهن و نوشته‌های دینی ایران باستان و بازتاب آن در نمادها و نشان‌های نقش‌برجسته شاهنشاهان ساسانی تاق‌بستان. پیام باستان‌شناس، ۱۶(۳۰)، ۱۶۹-۱۸۹.

DOI: 10.30495/peb.2023.1998038.1050

مقدمه

دیهم یا فرّ روبانی مدور شکل بود که از جانب مقام روحانی و دینی به شاهنشاه ساسانی اهدا می‌گردید. این رشته یا نوار که بر روی سر قرار می‌گرفت و با تاج شاهی پوشیده می‌شد، نمادی از در هم تنیدن دین و پادشاهی بود، چنان که دیهم و تاج در هم می‌آمیخت. اردشیر پاپکان همواره می‌گفت پادشاهی و دین دو برادر همزادند که پایداری هر یک جز به آن دیگری نباشد (مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۱/۱۱۶). فرّ یا دیهم شاهی در دوره ساسانی که موضوع این تحقیق است حلقه‌ای ساده بود که روی پیشانی بسته می‌شد و دو نوار در پشت سر از آن آویز بود این نوار در زمان هخامنشیان به یونان راه یافت و با نام دیدام از آن یاد شده است (رجبی، ۱۳۸۳: ۵/۴۶۸). در آغاز شاهنشاهی ساسانی اردشیر اول برای قانونی دانستن شاهنشاهی خود در حال گرفتن این حلقه از اهوره‌مزد است (نیبور، ۱۳۵۴: ۱۳۱، ۱۳۲). اردشیر پاپکان همواره می‌گفت من کارهای دین و کشور را به سامان درآورده‌ام که این دو چون دو برادر توانمند (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۰۴) و در پاسخ به اردوان که گفت چه کسی تاج و تخت و فرّ را به تو سپرده است گفت: «تاج و تخت را خدا به من بخشیده است» (ابن اثیر، ۱۳۷۰: ۱/۴۴۴). در نقش برجسته‌های مختلف از شاهان هخامنشی و ساسانی، به خصوص در صحنه‌های مربوط به تصویر کشیدن مراسم تاج‌گیری، همواره، شاهان حلقه قدرت یا دیهم شاهی را از روحانی زرتشتی یا به روایتی از مظهر اهوره‌مзда دریافت می‌کردند. در نمونه‌هایی از ایزدان مقدس زرتشتی چون اناهید و مهر این فرّ را دریافت داشته‌اند. این حلقه نمادی از جنبه روحانی - الهی حکومت و عهد و پیمان شاه با اهوره‌مзда است که همواره پیرو

عدالت، راستی و پاکی باشد و جلوه‌ای از حقانیت شاه برای نشستن بر اورنگ شاهنشاهی ایران است. طبق روایت گاتها یسنای ۳۱ فرّ اندیشه خداست که در آغاز آفرینش و در روز نخست اهوره‌مзда برای درخشیدن و نورانی گشتن این جهان به آن اندیشید و آفرید (پورداد، ۱۳۸۴: ۱۴۹).

جمشید پسر ویونگهان که از پادشاهان پیشدادی بود سخن دروغ گفت و بر عهد و پیمانش با اهوره‌مзда پای بند نبود و پس از آنکه او سخن نادرست و دروغ گفت، فرّ و روشنی ایزدی از او آشکارا به پیکر مرغی بیرون شتافت آن فرّ جمشید به پیکر مرغ وارغن (شاهین) بیرون شتافت و آن فرّ را مهرایزد تابناک دارنده چراگاههای فراخ برگرفت (پورداد، ۱۳۷۷: ۲/۳۳۶). واژه فرّ یا خورنه در متون پهلوی به صورت خوره و در فارسی میانه قره و در فارسی دری به صورت فرّ آمده است. اغلب به معنای سعادت، شکوه و تابیدن و تاللو و دادگری به کار رفته است. در اوستا که دین کهن آریایی با اسطوره‌های کهن تلفیق شده است از سه قره سخن رفته است: ۱- قره زرتشت ۲- قره ایرانی ۳- قره شاهی (کیانی) وجود این قره ایزدی باعث برکت و ثروت در گله و رمه و خرد و دولت خواهند شد (فرنخ‌دادگی، ۱۳۹۰: ۱۰۹). دادگری و عادل بودن شاه مفهوم بسیار کلیدی در اندیشه شاهی آرمانی در ایران بوده است. در وندیداد به عنوان یک متن باستانی عدالت مزدایی چنین تعریف شده است: این داد، این داد دیوستیز مزدا، در مهی و بهی و زیبایی در برابر دیگر دین‌ها چنان است که آسمان گرداگرد زمین را فرا می‌گیرد همانگونه که زمین را آسمان در برگرفته، ای زرتشت این قانون نیز بلندتر و نیکوتر و زیباتر از از کلامهای دیگر است (پورداد، ۱۳۹۴: ۴/۵۴۷). فرّ رابطه ناگسستگی با ایزد مهر دارد که مهمترین شاخصه او در

نوشته‌ها و روایت‌های دینی ایران باستان بازتاب یافته و در نقش برجسته‌های ایشان به تصویر درآمده است مورد واکاوی و رمزگشایی قرارگیرد.



شکل ۱: تاق بزرگ تاق‌بستان (عکس از نگارنده).

بررسی آفرینش اوستایی و میتراپی در اسطوره‌فرستانی

در اسطوره آفرینش اوستایی گاو مقدس که آن را ثور می‌گفتند. در کنار کیومرث زندگی می‌کرد. پس اهریمن کیومرث و گاو نخستین را کشت. دو امشاسپند، فرشتگان مقدس دین بهی تخمه (نطفه) کیومرث و گاو نخستین را از تن آن دو گرفتند. تخمه گاو و کیومرث را به ماه بردند و در نور آن جایگاه مقدس از آلودگی پالوده نمودند. تازمانی که اهریمن زمین را ترک کرد آن نطفه را در نور درخشان ماه محافظت کردند (فرنغ دادگی، ۱۳۸۰: ۷۰). آنگاه که پلیدی اهریمن از زمین دور شد آن دو فرشته مقدس چهل سال آن تخمه را در دل زمین سپردند. با به سر رسیدن چهل سال، ریواس (گیاه مقدس) پانزده برگ (مشی و مشیانه) از

اسطوره‌ها و دیانت کهن مردمان ایران باستان مراقبت بر پیمانهای بسته شده، دادگری و نگهبانی سرزمین ایران بوده است (رضی، ۱۳۸۱: ۱۴۸، ۱۴۹؛ پورداد، ۱۳۸۴: ۱۶۹). فر عهد و پیمان اهوره‌مزدا با نخستین انسان است از این رو، اهوره‌مزدا به آن دو انسان نخستین، مشی و مشیانه در آغاز آفرینش چنین گفت: (پدر و مادر جهانید، شما را با برترین اندیشه (عقل و خرد) آفریدم. جریان کارها را با خرد به انجام رسانید، اندیشه نیک اندیشید، گفتار نیک گوید، کردار نیک ورزید و دیوان را مستایید). این اولین عهد و پیمان ایزدی با انسان بود (پورداد، ۱۳۷۷: ۱/۱۰۵، ۲/۷۹). ایزد مهر ناظر بر عهد انسان نخستین با اهوره‌مزدا است. اینک پادشاهان ساسانی که ریشه و اصل خود را از پیشدادیان می‌دانند (دریایی، ۱۳۸۴: ۷۳)، موظف هستند آن فر مقدس اهوره آفریده را در وجود خود متبلور سازند و بر آن عهد و پیمان نخستین پایبند باشند تا ایران شهرآریایی، آرمانی را دوباره پایه‌گذارند. فر مفهوم اصلی حکومت مشروع در ایران باستان به ویژه در دوره ساسانیان است. ساسانیان تاریخ نگاری پدید آوردند که آنها را در ردیف پادشاهان بر حق ایرانی یعنی پیشدادیان قرار می‌داد (دریایی، ۱۳۸۴: ۳۴). اسطوره فرستانی ریشه در فرهنگ باستانی و دینی مردمان آریایی دارد و یادآور اسطوره‌ای کهن در باور مردمان آریایی بوده است. اسطوره‌ایی که سرآغازش در داستان آفرینش کیومرث پیشدادی است. در همین راستا سعی بر آن است تا با کاربست روش تحقیق تاریخی و اسطوره‌ای که مبتنی بر توصیف و تحلیل داده‌ها است نقوش و نمادهای حجاری شده در تاق‌بستان (شکل ۱) بررسی شود. تطبیق این نقوش در بیان اسطوره فرستانی شاهنشاهان ساسانی که در

آن تخمه از زمین رستند. سرانجام تکامل نطفه به گیاه و تراویدن قره و خرد اهورایی بر آن به انسان خردمند می‌انجامد (فرنبرگ دادگی، ۱۳۸۰: ۸۱؛ زادسپرم، ۱۳۶۶: ۱۶؛ شهرستانی، ۱۳۶۱: ۱/۳۹۶؛ شورتهایم، ۱۳۸۷: ۸۵). دو فرشته مقدس در اوج تاق‌بزرگ، تاق‌بستان سبک و هنری یونانی دارند، اما در دل این تصویر یونانی، داستان و اسطوره آفرینش ایرانی نهفته است. هنگامی که اهریمن زمین را ترک کرد نطفه‌ها توسط دو امشاسپند از ماه که تصویر آن در اوج تاق‌بستان حجاری شده‌است به زمین آورده شد. نطفه کیومرث و گاو نخستین، توسط دو امشاسپند امرتات و هروتات (دو فرشته تاق‌بستان) در دل زمین کاشته شد و از رویش آن نطفه‌ها یک جفت جاندار نر و ماده به شکل گیاه پیکری پدیدار گشت (فرنبرگ دادگی، ۱۳۸۰: ۸۱). دو گیاهی که در پایین تاق‌بستان حجاری شده‌است نمایش دهنده آفرینش آغازین اهورایی است. مطابق ماه یشت دو امشاسپند مقدس نور و فر ماه را جمع می‌کنند و آن فر را روی زمین اهورا آفریده می‌افشاند و نور مقدس و فر ماه است که زندگی را بر گیاه و زمین می‌بخشد (پورداد، ۱۳۷۷: ۱/۳۲۳). دو موجود نرینه و مادینه به نامهای «مشی» و «مشیان» از تکامل این گیاه در پرتو حفاظت ماه به وجود آمدند (فرنبرگ دادگی، ۱۳۸۰: ۷۰؛ پورداد، ۱۳۷۷: ۱/۱۰۵؛ اصفهانی، ۱۳۴۶: ۱/۶۲؛ بويس، ۱۳۷۵: ۱/۱۹۴؛ زهر، ۱۳۷۵: ۴۴۶). بن‌مایه اسطوره آفرینش آریایی از وجود گاو نخستین سرچشمه گرفته‌است. نکته مهم در بررسی دو داستان آفرینش (اوستایی و آفرینش میترايي) آن است که در داستان آفرینش اوستایی، اهریمن است که گاو نخستین را هلاک می‌کند. در داستان آفرینش میترايي این ایزد میتراست که گاو مقدس نخستین را ذبح می‌نماید. در

هر صورت کارکرد میترا و اهریمن یکی است. آفرینش در هر دو اسطوره از وجود گاو سرچشمه دارد. نمود این خوی اهریمنی میترای گاوکش، در آموزه‌های زرتشت، در شخصیت جمشید متجلی است (پورداد، ۱۳۷۷: ۱/۲۴۷؛ پورداد، ۱۳۵۶: ۲۴۳-۱/۲۴۵؛ دوستخواه، ۱۳۸۵: ۱/۳۷۴).

جمشید در گاتها کسی است که برای اولین بار گاو را قربانی کرد و جمشید ادعای خدایی کرد. علی‌رغم مخالفت زرتشت در گاهان با قربانی‌های خونین ستوران و به خصوص گاو، مراسم ذبح گاو و نوشیدن هوم و تقدس هر دو باور در آیین بعد از زرتشت جذب می‌شود. در اعتقادات میترايي قربانی گاو سبب آفرینش و رشد نیروهای باروری زمین می‌شد، مراسمی که معمولاً توسط روحانیون و بزرگان دین مهری همراه با نوشیدن شربت مسکر هوم و در بهار انجام می‌شد (نیبرگ، ۱۳۵۹: ۶۱ و ۷۱). هلال ماه در تمثیل شاخ گاو که در اوج تاق‌بزرگ تاق‌بستان نقش بسته است (شکل ۲) و در هم ترکیب یافته‌اند، در اسطوره آفرینش میترايي همواره در کنار هم قرار دارند. هنگامی که میترا گاو را قربانی کرد گاو به ماه تبدیل گردید، اینگونه گاو نر، ماه است (مرکلباخ، ۱۳۸۷: ۲۳۸). در تاق‌بستان ماه و شاخ گاو در یک ترکیب هنری در هم تلفیق یافته‌اند. میترا گاو را قربانی می‌کند تا از اعضای بدن آن هستی و خلقت شکل بگیرد. پس اهریمن دیوان بد سرشت را برای تباهی این برکت به سوی گاو فرستاد تا سرچشمه حیات بخش را به زهر بیالاید. تخمه گاو به ماه سپرده شد آن تخمه به روشنی ماه پالوده شد و از آن تخمه در روی زمین، نخستین زوج بشری مشی و مشیانه بالیدن گرفت (فرنبرگ دادگی، ۱۳۸۰: ۶۶؛ کومن، ۱۳۸۳: ۱۳۸).

زایش فریدون تمام بن مایه‌های داستان میترا و ذبح گاو نخستین نهفته است، فریدون چون زاده شده ماده گاوی او را شیر داد، سرانجام ضحاک ماده گاو را سر برید اما فریدون در نگاهداشت، نگاهدارنده چون ماه بالیدن گرفت و در حمایت خداوند بود (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۲۶). ضحاک نیز چون جمشید ماده گاو را سر برید، پایندی آنان (ضحاک و جمشید) به ذبح گاو در این داستان بیان شده است. جمشیدی که قَر از او ستانده شد و ضحاک که هیچ گاه به قَر دست نیافت (پورداد، ۱۳۷۷: ۲/۳۴۰). فریدون که نژادش در توتم گاو نهفته است، دوباره قَر و شکوه را به تخمه و نژاد آریایی بازمی‌گرداند و آتش را که نماد قوم آریایی است می‌افروزد. چنان که کوروش بنیانگذار هخامنشی در پرتو ایزد مهر حفاظت می‌شود. اسطوره میترا دارنده قَر ایزدی و بخشنده شاهنشاهی و قَر (پورداد، ۱۳۷۷: ۱/۴۳۳) در تولد کوروش بزرگ به وضوح نمایان است؛ هنگامی که آستیاک پادشاه ماد به هارپاگ دستور می‌دهد کوروش را بکشد، هارپاگ نیز به گاوچران شاه که نامش میترداد (مهرداد) است، وظیفه کشتن کوروش را می‌سپارد، اینچنین است که پرورش‌دهنده گاو (مهرداد) جان کوروش را از مرگ رهایی می‌بخشد. در داستان زایش کوروش بزرگ، گاوچران (پرورش‌دهنده گاو) میترداد نقش اصلی را به خود اختصاص داده است (هردوت، ۱۳۸۳: ۱۹۵-۱/۱۹۶).

ایزد مهر است که از سرآغاز خلقت انسان و تراویدن قَر و نخستین پیمان اهوره‌مزدا با انسان نگهدارنده عهد است، دو گیاه نخستین که در تکامل خود به انسان خردمند (مشی مشیانه) رسیدند. در مهرماه و مهرروز و هنگام جشن مهرگان از زمین رویدند (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۱/۶۲؛ فرنیغ



شکل ۲: نقش هلال ماه با روبان در اهتزاز در تاق بستان کرمانشاه (عکس از نگارنده).

تجلی اسطوره قَر مزدایی در آغاز آفرینش آریایی

در اسطوره‌های کهن ایرانی اجداد فریدون همه دنباله نامی از گاو دارند فریدون پسر پورترا (پورگاو)، پسر سیاک‌ترا (سیک گاو) پسر سپت‌ترا (سپیدگاو) (فرنیغ‌دادگی، ۱۳۶۹: ۱۴۹) این موضوع بیانگر این حقیقت است که گاو توتم خاندان وی بوده است (بهار، ۱۳۶۲: ۱۴۲). فریدون شاهنشاه پیشدادی هنگامی که خواست پادشاهی را به ایرج دهد و او را بر سایر پسرانش برگزیند تاج و تخت و قَر و دیهیم و اورنگ را به ایرج سپرد (حسینی قزوینی، ۱۳۸۳: ۱۵۵) قَر شاهی از جمشید ستانده و ایزد مهر آن را دریافت کرد. جمشید هنگامی که دروغ گفت آتشش بی‌فروغ و قَر ایزدی از او گرفته شد (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۱۷). سرانجام با آمدن فریدون پیشدادی قَر به فریدون تعلق می‌گیرد. او نخستین کس است که ضحاک مار به دوش را شکست می‌دهد و قَر ایزدی را دوباره به سرزمین ایران بازمی‌گرداند. فریدون نخستین کس است که آتشکده می‌سازد (مسعودی، ۱۳۷۰: ۱/۴۸۳؛ پیرنیا، ۱۳۷۷: ۱/۳۷؛ ثعالبی، ۱۳۸۵: ۱۹؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۰: ۱/۹۱؛ فردوسی، ۱۳۸۹: ۲۶). در

ساسانی نیز دیده می‌شود (سرافراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۷۶) به همراه روبانی که از دیهیم آویزان است (موسوی حاجی، ۱۳۸۷: ۹۲-۸۵). در پایین و دو طرف آن گسترده و در اهتزاز است. تمام نقش برجسته‌های ساسانی اهورمزدا، میترا و آناهیتا با روبان که نمادی از فر است ترسیم شده‌اند (سرافراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۲۹۶-۲۹۲) همان روبانی که در زیر هلال‌ماه دیده می‌شود. تمامی شاهنشاهان - ساسانی آن را بر خود مزین کرده‌اند.



شکل ۳: نقش ایزد مهر با پرتو فروزان در تاق بستان کرمانشاه (عکس از نگارنده).

نگینی منصوب به اردشیر پاپکان (۲۲۴-۲۴۲ م) که تنها نیمی از آن یافت شده پادشاه در حالت نیم رخ در کنار گاوی نشان داده شده است (Babelon, 1897: 192). گاو مهمترین بن‌مایه‌ی اسطوره‌ای میترا است و میترا دارنده فر ایزدی است، مهر است که می‌تواند فر را از شاهی بستاند یا به او بسپارد. نقش‌مایه‌های هنر ساسانی به مسئله فراتر از علاقه شاه و درباریان اشاره دارد و ارزش سمبلیک، دینی و اسطوره‌ای برای ساسانیان داشته است (Lerner, 1975: 166). هنر ساسانی با بازگشت به مفاهیم اسطوره‌ای ایران باستان از هنر هلنیسم عبور کرد محتوا و نمادهای سه یا

دادگی، ۱۳۸۰: ۸۱). در مهرماه یکی از بزرگترین جشنهای ایرانی برگزار می‌شد، جشن مهرگان، سبب این جشن، چیره‌شدن فریدون بر ضحاک است (بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۴۰-۳۳۹). تیشتر ستاره مقدس اسطوره‌های آریایی خود را به شکل گاوی زرین شاخ به زرتشت نشان می‌دهد (پورداد، ۱۳۷۷: ۳۴۷). ستاره تیشتر در تیریشیت بند ۶، به مانند تیر پرآن آرش در فروغ مهر در پرواز است. اسطوره آرش نیز با گاو زرین شاخ گره خورده و به هم پیوسته (پورداد، ۱۳۷۷: ۳۴۱). آرش به مانند مهر درخشان و پُر فروغ نگهبان ایران است و سرانجام شاهنشاهان هخامنشی و ساسانی ودیعه‌دار میترای درخشنده هستند (مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۱۷۴).

داریوش بزرگ در کتیبه بیستون بر خود می‌بالد که در مهرماه که ماه ستایش ایزدمهر است بر گنوماته مغ پیروز شد (شارپ، ۱۳۸۲: ۳۸). داریوش می‌خواهد نقش ایزدمهر را در موفقیت و فر ستایش نشان دهد، خود را با فریدون پیشدادی و دشمنش گنوماته را با ضحاک مقایسه می‌کند، نقش حمله شیر به گاو در حجاری تخت جمشید یادآور اسطوره‌ی میترا و جلوه‌ای از گاوکشی مهر می‌باشد (پرادا، ۱۳۹۱: ۱۵۷-۱۵۶؛ عطایی، ۱۳۸۵: ۸۶). فر از انسان نخستین به فریدون و سپس کوروش و سرانجام به داریوش بزرگ رسید. در مهرماه ساسانیان تاجی که به صورت نور و آفتاب بود بر سر می‌گذاشتند (بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۳۷-۳۳۸) تا ارتباط خود با اساطیر کهن، میترا و هخامنشیان را گرامی دارند، نور نماد مهر است. هلال ماه که بر فراز تاق‌بستان نقش شده، نماد گاو نخستین و نماد ایزد مهر است که با فر و خلقت نخستین در ارتباط است و آفرینش از قربانی او سرچشمه گرفت هلال‌ماه بر تاج شاهنشاهان

قرارداد، ولی کاووس به غرور قسمتی از مرز توران را از آن ایران کرد آنگاه نخواست که آن گاو باشد و حدود مرز را مشخص کند. کاووس از سریت پهلوان که زور بسیار داشت خواست که گاو را بکشد گاو به زبان آمد و به سریت گفت مرا مکش چه اگر مرا بکشی آن کس که فروهرش در هوم دوردارنده مرگ است و نام او زرتشت است در زمین پیدا شود و بد کردن تو را در جهان بگوید. سریت چون سخن گاو را شنید بازگشت و به سوی کاووس رفت و او را از چگونگی کار آگاه کرد. اما کاووس خواستار مرگ گاو بود و سریت را مجبور به کشتن گاو کرد سریت به پیشه رفت و با مشت سه جای پشت گاو را شکست و گاو مُرد. سریت نیز به دست پری سگ پیکر کشته شد (زادسپرم، ۱۳۶۶: ۲۰؛ رضی، ۱۳۷۶: ۳/۱۳۸۶). این داستان، الگوهای میتراپسم را به وضوح بیان کرده است، فرنگهبان ایران در تجسم گاو، کشتن گاو، شیره هوم، و زرتشت پیامبری که خواهد آمد و قربانی کردن گاو را به عنوان یک بدی بزرگ به جهان تعلیم خواهد داد. قربانی که جمشید پیشدادی طبق گاتها آن را بنیان نهاد (پورداد: ۱۳۸۴: ۲۰۵) فر که مانند شاهین از جمشید گسست.

هم شهریاری و هم موبدی (فردوسی، ۱۳۸۹: ۱۱)

غرب شاهنشاهی ساسانی، کرمانشاه انتقال میابد سبک هنری حجاری‌های کرمانشاه با آثار ساسانی موجود در پارس تفاوت دارد اما یک اسطوره در همه آنها به طور یکسان با تمام قدرت بازتاب یافته است و آن ستاندن فر از مقام روحانی و مینوی است اما در کرمانشاه به یکباره نقش

چهار هزار سال پیش را در خود زنده و متبلور ساخت (Vonderosten, 1925: 82). شاهنشاهان ساسانی تاریخ‌نگاری پدید آوردند که آنها را در ردیف پاشاهان بر حق ایرانی یعنی پیشدادیان و کیانیان قرار می‌داد. ساسانیان نخستین بار لقب کی را در زمان شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹م) بر خود مزین کردند و بر سکه‌های ساسانی نخستین بار لقب کی در زمان یزگرد دوم (۴۳۸ تا ۴۵۷م) منقش گردید (دریایی، ۱۳۸۴: ۳۴). شاهنشاهان ساسانی همواره می‌کوشیدند نسب و نام خود را به اسطوره‌های پیشدادی برسانند و پیشدادیان و کیانیان را نیاکان خود به تصویر درآوردند (دریایی، ۱۳۸۴: ۷۳). در سروده تیر یشت فر قدرتمند کیانی ستوده شده است (پورداد، ۱۳۷۷: ۱/۳۳۹).

قدیمی‌ترین داستانهای آفرینش میتراپی که ریشه در اساطیر پیشدادی در داستان جمشید و فریدون واساطیر کیانی دارد، در کتاب زادسپرم در داستان کیکاوستجسم یافته است، آنگاه که اهوره مزدا برای جلوگیری از جنگ میان ایران و توران گاو بزرگ آفرید و میان مرز ایران و توران

منم گفت با فره ایزدی

ساختار این داستان منطبق با روایتی در بهرام یشت بند ۵۶ است مردمان دیویسنان پشت گاو را خم‌کنند و کمرش را بشکنند و اندام‌هایش را (پورداد، ۱۳۹۴: ۲/۵۳۹) در زمان شاپوردوم نخستین بار خود را با لقب کی نامید، از این تاریخ به بعد است که آثار ساسانی از پارس به

ستانی دارد این قر ایزدی است که سرزمین‌ها و حکمرانی را به شاهنشاه ساسانی می‌بخشد. اردشیر پاپکان آسیا را حق نیاکان خویش می‌دانست و ادعا داشت که نیاکان او از کوروش تا داریوش سوم به این سرزمین حکمرانی کرده‌اند و می‌بایست دوباره تحت حکومت او درآیند (دریایی، ۱۳۸۴: ۶۳). زیرا دیهیمی که در مراسم تاج‌گذاری شاهنشاهان هخامنشی از جانب اهوره‌مزدا به شاه بخشیده شد همان قر و پرند (شاهین) باشکوه‌ای است که بر دوش شاهنشاه ساسانی نشسته است. تجسم آن در بالهای تاج شاهنشاه یا انوار نور بر گرداگرد تاج شاه در تمثیل ایزد مهر (شکل ۳) بازتاب یافته است. مفهوم قر و مراسم دیهیم‌ستانی چنان در فرهنگ ایرانی محترم و بزرگ بود که حتی اسکندر نیز یک دیهیم ارغوانی و سفید به تقلید از پارسیان برگزید و بر سر نهاد (غیبی، ۱۳۸۷: ۱۲۳-۱۲۲).

طرح پوشش تاج در دوران ساسانی متنوع بود هر شاهنشاه تاجی مخصوص خود را بر سر می‌گذاشت که با نمادهای دینی و اسطوره‌ای خاص مزین می‌شد. ویژگی هر تاج به عواملی چون شاه، قدرت دربار، وابستگی شاه به موبدان و نگرش دینی شاهنشاه بستگی داشت. فرم و شکل تاج به عوامل ذکر شده در ارتباط بود. تاج در حقیقت نشانه پیوند شاهنشاه ساسانی با ایزدان مینوی است. مثلاً بال شاهین، پرتوخورشید و نقش ستاره و هلال ماه از این جمله هستند (جوادی و آورزمانی، ۱۳۸۸: ۳۷). یکی از ایزدان و مقدسان و مینویان که ارتباط مستقیم با قر شاهی دارد ایزد وایو یا وای است، وای با تقدیر و قر پیوند می‌خورد (مک‌کال، ۱۳۷۳: ۳۵).

مهر و نمادهای میتربی در قر ستانی اهمیت میابد، زیرا مهر است که دارنده و برنده قر ایزدی است مهمترین بن‌مایه اسطوره مهر نظارت دقیق او بر عهد پیمان است. به‌خصوص عهدی که نخستین انسان با اهوره‌مزدا می‌بندد و خلقتی که با ذبح گاو آغاز می‌گردد، گاوی که توسط ایزد مهر قربانی شد تا آفرینش آغازگردد. اولین عهدی که اهوره‌مزدا از مشی و مشیانه نخستین آفریده‌ها می‌گیرد و قر اهورایی به آن دو بخشیده می‌شود (پورداد، ۱۳۷۷: ۱/۱۰۵، ۲/۷۹).

اولین تصویر اساطیری از قر یا خورنه در متون دینی کهن زرتشتی و داستانه‌های اساطیری آریایی در آفرینش مشی و مشیانه است که قر بر بالای سر آنان در پرواز است (فرنبرگ دادگی، ۱۳۸۰: ۸۱؛ زادسپرم، ۱۳۶۶: ۱۶). تعلق خاطر ساسانیان به اسطوره پیشدادی در حجاری‌ها و نمادهای و نقش برجسته‌های آنان متبلور شده است. در نقش برجسته تاق‌بستان ایزد ناظر بر عهد و پیمان (میترا)، برسم در دست، اردشیر دوم (۳۷۹ - ۳۸۳ م) پادشاه ساسانی را مورد ستایش خود قرار می‌دهد. برسم در کنار شیر هوم اصلی‌ترین نمادهای ستایش میترا بوده است. زایش میترا در اسطوره‌های کهن آریایی از دل صخره است، صخره‌ای که میترا از آن زاده می‌شود در کنار چشمه مقدس و در زیر سایه درختی به نمایش درآمده است (کومن، ۱۳۸۳: ۱۳۱). در تاق‌بستان اولین نقش برجسته متعلق به شاپور سوم و پدرش شاپور دوم است، آخرین شاهنشاهانی هستند که خود را چهر از ایزدان دارند معرفی می‌کنند (دریایی، ۱۳۸۳: ۳۵). متن کتیبه، ایزدان نقش‌بسته در حجاری‌های ساسانی، نقوش که بر جامه شاهان ترسیم شده است و مهمتر از همه تاج شاهنشاهان و نمادهایی که در حجاری‌های ساسانی به تصویر درآمده است ریشه در فرهنگ مراسم اسطوره‌ای قر

۱/۴۵۹). ایزد بهرام برنده فَر ایزدی در هفتمین مرحله به صورت مرغ‌شاهین جلوه‌گراست (پورداد، ۱۳۷۷: ۲/۱۲۳). فَر در تمثیل شاهین که از جمشید پیشدادی جدا شد به دست فریدون رسید و سرانجام بر تاج پادشاهان ساسانی بالهای خود را گشود.



شکل ۵: سر ستون‌های ساسانی یافته شده در کرمانشاه تصویر ایزد بهرام و خسرو پرویز با روبانهای در اهتزاز (عکس از نگارنده).



شکل ۴: تصویر خسرو پرویز در تاق‌بستان، فَر ایزدی که بر گرد سر او تابان است (عکس از نگارنده).

در بیشتر حجاری‌های ساسانی همواره دو نوار در پشت شاهان و ایزدان مینوی در اهتزاز است که رابطه مستقیم با ایزد وایو دارد. باد همواره این دو نوار را در اهتزاز نگه‌داشته است. فَر همواره، نور و فروغ و دانش ایزدی است که با خرد و راستی در ارتباط و در گرداگرد صورت شاه فروزان است (شکل ۴) صفت (خوارنگهوت) یعنی فرهمند در اوستا برای اهوره‌مزدا و ایزد وایو بکار رفته است در رام‌پشت «وندی‌خوارته» صفتی برای وایو به معنی یابنده فَر است، وای می‌گوید: یابنده فَر نام من است (دوستخواه، ۱۳۸۵: ۱/۴۵۶). ایزد بهرام اهورا آفریده نگهبان مرزهای ایران زمین در کالبد باد تند و زیبا بوزید و فَر نیک مزدا آفریده توسط او آورده شد (پورداد، ۱۳۷۷: ۲/۱۲۰). باد همواره درکنار ایزدمهر دارنده دشتهای فراخ وزان است (پورداد، ۱۳۷۷:

بررسی مفاهیم اسطوره دیهیم ستانی شاهنشاهان ساسانی در تاق‌بستان (تاق بزرگ)

این تاق و نگاره‌ها توسط خسرو پرویز (۵۹۰-۶۲۸م) و یا به روایتی دیگر با بررسی حجاری‌ها و نقش برجسته‌های ساسانی تاق‌بستان و نقوش تاق‌بزرگ پیکره نقش شده را پیروز (۴۵۹-۴۸۴م) شاهنشاه ساسانی دانسته‌اند (موسوی حاجی، ۱۳۹۲: ۴۵-۶۸؛ نامور مطلق، ۱۳۹۲: ۹۲-۶۹).

این تاق دارای ایوانی با فضای مستطیل به عرض ۷ متر و ۸۵ سانتیمتر، ارتفاع ۱۱ متر و ۹۰ سانتیمتر و عمق ۷ متر و ۶۵ سانتیمتر است. دیوار مقابل تاق بزرگ به صورت افقی به دو بخش شده و بر دیواره جانبی آن دو صحنه شکار حجاری شده است. صحنه بالا در دیوار مقابل نشان دهنده مجلس دیهیم ستانی پادشاه است. در این نقش شاهنشاه ساسانی در وسط ایستاده و در دست او دیهیم پادشاهی با روبان موج است که از طرف روحانی زرتشتی یا مظهر اهوره مزدا که در طرف راست ایستاده به او اعطاء می‌شود. در طرف دیگر شاه، ایزد بانو آناهیتا که با یک دست حلقه مشابهی را به پادشاه اهدا می‌کند، در دست دیگر سبویی دارد که آب را بر زیر پای شاهنشاه جاری کرده است. در بخش زیرین این صحنه، شهریار ساسانی پادشاه ساسانی بر اسب کوه‌پیکر خود نشسته و هاله‌ای از نور (خورنه) یا قرّ گرداگرد سر او تابیده است، نیزه بلندی در دست دارد و تیردانی به کمر در لباس کامل رزم با کلاهخود و زره حجاری شده است. در عین ظرافت از حالتی رعب‌آور برخوردار است، ۴ متر ارتفاع دارد. در بهرام یشت در میان ایزدان کسی که از همه بهتر لباس رزم پوشیده و مسلح‌تر است ایزد بهرام است (پورداد، ۱۳۷۷: ۱۱۲/۲). ایزد بهرام در کالبد شاهین، گراز، قوچ‌نر، باد و مردجنگی سنگین

اسلحه خود را به زرتشت نشان می‌دهد (پورداد، ۱۳۷۷: ۱۱۷/۲). این پیکره زره‌پوش سوار بر اسب به قدری با شکوه است که یادآور زره‌پوش‌های سوارکاران واقعی آن دوران است. آمیانوس سردار رومی در جنگ آمدا به شخصه سواره نظام سنگین اسلحه ساسانی را دیده و با توصیف دقیق خود می‌نویسد: جلاء و تالائو سواره نظام زره‌پوش، کوه و هامون را پوشیده بود، چشمان را خیره می‌کرد، شاهنشاه از سایرین قدی رساتر داشت و سواره پیشاپیش تمام لشگر می‌آمد و بجای تاج کلاهی زرین، که به شکل کله (سر) قوچی بود، بر سر داشت. قوچ همواره به عنوان نماد قرّ ایزدی تلقی می‌شود قوچ نشانه طی طریق باطنی و نماد نیروی روان و قدسی است (شوالیه، ۱۳۷۹: ۴۷۲).

همچنین می‌توان این تعبیر قرّ در نماد قوچ را در کلاهخود شاپور دوم که بنا به توصیف مارسلینوس در جنگ امیداد برابر ژولین بر سر نهاده بود اشاره کرد (پرادا، ۱۳۹۱: ۲۵۴).

قوچ نماد قرّ ایزدی است. یکی از بهترین نمونه‌ها که نقش قوچ که قرّ شاهی به گردن دارد و روبان در اهتزاز بر آن آویز است در لوحی از ملاط‌گچ یافت شده از کیش مشاهده می‌شود (فریه، ۱۳۷۴: ۷۲). قوچ نماد ایزد بهرام یا ورث‌رغنه است (Harris, 2004: 69). قوچی که اردشیر بابکان را از شر تعقیب اردوان پنجم نجات داد (سایکس، ۱۳۷۰: ۵۳۴). ایزد بهرام است که در کالبد باد تند می‌وزد و قرّ اهوره مزدا توسط او آورده می‌شود (پورداد، ۱۳۷۷: ۱۱۲/۲). نقش ایزد بهرام در بخشش قرّ به شاهنشاه ساسانی چنان دارای اهمیت است که برخی از پژوهشگران حضور ایزد بهرام در نقش برجسته تاق بزرگ بستان را با استناد به قراین تاریخی و متون مذهبی، شواهد چهره‌شناسی و نشانه‌شناسی، تایید کرده‌اند (موسوی

است (Fukai, 1991, vol. 4: 80-82). سیمرغ در هنر ساسانی ترکیبی است از عقاب که فرّه ایزدی همواره در شکل عقاب یا مرغ وارغن تجسم شده (پورداد، ۱۳۷۷: ۲/۳۳۶). دم طاووس که پرنده طاووس در اساطیر ایرانی نماد ایزد بانو آناهیتا است (پورداد، ۱۳۷۷: ۱۵۹). سری به شکل سگ، که سگ مقدس ترین حیوان دیانت زرتشتی است به خصوص در وندیداد به سگ توجه ویژه‌ای شده- است (پورداد، ۱۳۹۴: ۴/۶۴۱) و پنجه‌های شیر، شیر همواره تداعی کنند جلال میترا در ایران باستان بوده‌است و در پیگرنگاری میترایسم رومی نیز نقش داشته‌است (18: Gyselen, 2007؛ وارنر، ۱۳۸۹: ۵۲۲). این تصویر (شکل ۶) باورهای اساطیری را در فرهنگ و ذهن شاهنشاه ساسانی به تصویر کشیده‌است. مفاهیم مذهبی و اساطیری در هم آمیخته و ترکیبی را به وجود آورده می‌تواند تمثیلی از دانایی و خرد باشد. همان دانایی که در فرّ ایزدی برای شاهنشاه به ارمغان آورده شده است. در اوستا این موجود به نام سنه مرگو و در شاهنامه به عنوان پادشاه پرنندگان و پرورش دهنده زال در کوه البرز از آن یاد می‌شود. سیمرغ با سر سگ و دم طاووس در نقش برجسته تاق‌بستان کنده کاری شده و در لباس شاهنشاه نقش بسته است (پرادا، ۱۳۹۱: ۲۶۲). لباسی که بر آن سیمرغ مزین است فقط مختص شاهنشاه است. پس نقش سیمرغ رابطه ناگسستگی با اندیشه فرّ ایزدی دارد. فرهنگ ایرانی مجموعه‌ای از اسطوره‌ها، سنن، آیین، مذهب، تاریخ، زبان و... است. مسأله پوشاک به عنوان یک شأن انسانی، نمودی از هویت فرهنگی به شمار می‌رود. بنابر این، ارتباط هویت و لباس اینگونه است که کارکرد طرح، رنگ، بافت و

حاجی، ۱۳۹۲: ۴۵-۶۸؛ نامور مطلق، ۱۳۹۲: ۶۹-۹۲؛ موسوی حاجی، ۱۳۸۷: ۹۲-۸۵؛ حاتم، ۱۳۹۲: ۳۰-۹). نقش برجسته سوار تاق‌بستان، شوالیه‌های قرون وسطا در اروپا را به یاد بیننده می‌آورد (ریاضی، ۱۳۸۲: ۵۵). زیرا شوالیه‌های قرون وسطی در زمانهای بعد سنتهای ایرانی و به خصوص سنتها و لباس اسواران ساسانی را جذب کردند آنان وظیفه داشتند از فرّ شاهی محافظت کنند (پرادا، ۱۳۴۵: ۳۰۱-۲).

طرح و نقش جامه خسرو پرویز در صحنه خسرو سوار بر اسب در تاق بستان

پادشاه در این نقش تاج بر سر دارد. در بالای تاج یک گوی نسبتاً بزرگ مشاهده می‌شود. در زیر این گوی یک روبان موج است که باد آن را به اهتزاز درآورده و باد نمایی از وجود ایزد وایو بردارنده فرّ ایزدی در کنار شاهنشاه است (شکل ۵).



شکل ۶: نقش سیمرغ در لباس شاهنشاه خسرو پرویز در تاق بستان (عکس از نگارنده).

لباس پادشاه را می‌توان در قسمت تحتانی که از زیر زره آشکاراست، مشاهده کرد، که دارای نقش با شکوه سیمرغ

به تصویر سیمرغ در جامه اسب‌سوار در شکارگاه گوزن تاق‌بستان می‌باشد (ریاضی، ۱۳۸۲: ۱۸۲).



شکل ۷: نقش شاهنشاه خسرو پرویز در دیواره تاق بزرگ تاق بستان (عکس از نگارنده).

فرّ شاهی از مهمترین اندیشه‌های سیاسی ایران باستان بود در اندیشه ایرانشهری شاهنشاهی ساسانی سرشتی ایزدی دارد و برگزیده خدا است. شاه فوق مردمان شمرده می‌شود فراخی و نعمت و برکت و امنیت جامعه و کشورش بر اثر فره‌مند بودن شاه از قدرت فره‌ایزدی است شاه با وجود فرّ ایزدی موردتأیید اهوره‌مزد است (بهار ۱۳۸۱: ۵۰۳؛ پوپ، ۱۳۳۸: ۵۳). در دوره ساسانی فرّ ایزدی چنان از اهمیت برخوردار بود که خسرو پرویز در پشت سکه‌اش به دور مجمر آتش‌واژه فره‌افزون را ضرب کرد (گویری، ۱۳۸۵: ۱۹). در ریگ‌وادا این ایزد مهر است که در آتش (آگنی) متجلی می‌شود (ریگ‌ودا، ۱۳۷۲: ۴، ۵۹، ۳). این مهر است که ارمغان آورنده فرّ به شاهنشاه است. درخشش مهر در صورت شاهنشاه ساسانی بازتاب یافته است (شکل ۷). در صورت ناهماهنگی شاه با قانون ایزدی و دین این مهر است که فرّ را از شاه خواهدستاند. دینکرد سوم کرده ۱۲۹ پیوند میان دین و شاهنشاهی به وضوح بیان شده است هنگامی که اهریمن با تمام قوه خود پیکار می‌کند تا فرّ شاه (خوره شاهی) و فره‌دین‌مزدیسنا در یک تن نباشند زیرا

تزیینات در لباس، علاوه بر جنبه زیبایی بخشی، متناسب با اسطوره‌های دینی و تاریخی همسوبا شرایط زمانی و مکانی و هم سنخ با ارزش‌های تمثیلی و اسطوره‌ای در هنرهای سنتی ایرانی بازگو شده است. گزنفون در کتاب کوروش‌نامه (کوروپدیا) به نکته‌ای بسیار مهم اشاره می‌کند او می‌گوید طرح حیوانات با سر انسان که دارای عقل سلیم آدمیت است و پنجه‌ای قوی مانند درندگان و ددان و پای چوب اسبان و بالی چون پرندگان، که هیچ هدفی از زیر پنجه قهار و کمند تیز رو آنان راه فرار نداشت (گزنفون، ۱۳۸۳: ۱۱۱). این ویژگی که در هنر هخامنشی و بعدها در هنر ساسانی و حتی در لباس شاهنشاهان ساسانی تجلی یافته است و در نقش سیمرغ به ظهور رسیده، نماینده انسان کامل ایرانی است و همین نقشهای اسطوره‌ای بر لباس شاهنشاه و درباریان در تاق‌بستان حجاری شده است. انسان کامل ایرانی که هنر سواری را به خوبی می‌آموزد و بر اسب چون عقابی در پرواز است، با عقل سلیم آدمی در باره هدف خود مطالعه می‌کند آن‌گاه سلاح خود را که بمانند پنجه شیران است در دست می‌گیرد و هر مانعی را پیش پای خود برمی‌دارد (گزنفون، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

سیمرغ همان فرّ اهوره‌مزد است که بر وجود شاهنشاه ساسانی که انسان کامل است سایه افکنده و خصوصیات یک انسان کامل را به او می‌بخشد. قدیمی‌ترین نقش سیمرغ بر روی سکه‌ای از بهرام دوم (۲۹۳-۲۷۶) ظاهر شده است. در این نقش برجسته سیمرغ در درون دایره قرارداد و رویش به سمت راست است (ریاضی، ۱۳۸۲: ۱۸۱). نمونه مشابهی با این طرح سیمرغ را می‌توان در ابریشم واتیکان مشاهده کرد و در خفتانی پیدا شده از موتی چوایا بالکا در قفقاز که اینک در موزه ارمیتاژ محفوظ است. شبیه

نابودی اهریمن در به هم رسیدن این دو فره است (آذرفرنبغ، ۱۳۸۴: ۶۲). در آبان‌یشت افراسیاب از آناهید می‌خواهد قَر مقدس به او داده شود قَری که به ممالک آریایی و به زرتشت متعلق است (پورداد، ۱۳۷۷: ۱/۲۵۱). چنین است که اردشیرپاپکان بنیانگذار شاهنشاهی ساسانی می‌گوید: بدانید که پادشاهی و دین دو برادر همزادند که پایداری هریک جزبه آن دیگری نباشد (مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۱/۱۱۶) و شاهنشاه ساسانی در نقش برجسته‌های تاق‌بستان لقب چهر از یزدان دارد را بر نام خود مزین کرده‌اند. "این پیکر بغ مزدیسن شاپور شاهان شاه ایران و انیران که چهر از یزدان دارد پسر مزدیسن بغ هرمزد شاهان شاه ایران و انیران که چهر از یزدان دارد نوه بغ نرسی شاهان شاه "این پیکر مزدیسن بغ شاپور شاهنشاه ایران و انیران که چهر از یزدان دارد (عریان، ۱۳۸۲: ۱۴۸). شاهنشاهان ساسانی خود را چون یزدان و موجودات مینوی دارای تقدس می‌دانستند.

خسرو پرویز در قسمت بالای تاق‌بزرگ تاق‌بستان خود را در کنار موجودات مینوی در اوج تاق که تمثیلی از آسمان است نشان می‌دهد. غار نماد گنبد آسمان و جهان خلقت است و میترا در غارسنگی با قربانی گاو آفرینش را آغاز کرده (دادگی، ۱۳۸۰: ۶۶؛ کومن، ۱۳۸۳: ۱۳۸). برخی از تصاویر خسرو پرویز در تاق‌بزرگ، تاق‌بستان قَره، هاله‌ای مقدس و باشکوه گرد پادشاه را فراگرفته است، قَره همچون یک هاله در زمان خسرو پرویز دیده می‌شود (دریایی، ۱۳۸۴: ۳۸) مانند هاله‌ای که بر گرد جمشید بود جمشید چون اقلیم‌ها پادشاهی یافت به مردم گفت همانا من بر شما فرمانروا هستم با امتیازی که خداوند مخصوص من ساخت، قَر و لباسی از نور بر من پوشاند تا داد بگسترانم

(ثعالبی، ۱۳۶۸: ۱۴). در پشت سکه‌های خسرو پرویز نوشته‌ای دیده می‌شود این نوشته چنین است: قَره خسروافزوده شود (دریایی، ۱۳۸۴: ۳۴). این قَر مقدس اهورایی تا زمانی در وجود شاه قرار خواهد داشت که او بر پیمان پادشاهی، راستی و عدالت استوار باشد (پورداد، ۱۳۷۷: ۲/۳۳۶). اهوره‌مزدا، سرزمین‌ها و شاهنشاه را مطابق آن که به میترا، (پیمان بسته شده) احترام گذاشته باشند و یا با آن مخالفت کرده و پیمان را شکسته باشند، حمایت یا نابود می‌کند. اهوره‌مزدا از زرتشت می‌خواهد که مبادا پیمان بشکنی، نه آن پیمانی را که با دروند (گناهکار) بسته‌ای و نه آن را که با اشون (پرهیزکار) بسته‌ای چه هر دو پیمان درست است (پورداد، ۱۳۷۷: ۱/۴۲۵؛ پورداد، ۱۳۸۴: ۱۶۹).

تقدس میترا ایزد عهد و پیمان نزد ایرانیان باستان چنان مهم بود که در نوشته‌های یونان طبق توصیفی از استرابو و هردوت به آن اشاره شده است این مورخان می‌نویسند: ایرانیان، هلیوس که آن را میترا می‌نامیدند احترام بسیار می‌گذارند (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۲۳؛ هرودت، ۱۳۸۳: ۲۱۵). این قَر میترای آریایی است که در مهرابه‌های جهان در هفت کشور به تصویر درآمده و در حال تاییدن است و با آن فروغ سفید مینوی درخشان مقدس هوشیار بی‌سایه‌اش (پورداد، ۱۳۷۷: ۱/۴۵۹). قَر پرتو نیکبختی خدایی است، همان که پارسیان قَر گویند (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۱۰). قَر و فروغ مهر سفید و بی‌سایه است. و چه شباهت جالبی بین فروغ میترا و جمشید است که در اسطوره‌ها بیان شده است. ابن اثیر در باره قَر جمشید می‌گوید: شید از زبان ایرانی‌ها پرتو روشنایی است و جم به معنی ماه تابان است و نور ماه

سفید رنگ است (ابن اثیر، ۱۳۷۰: ۱/۶۸). در سروده مهر یشت این مهر است که فروغش بر جهان بتابد، او هم مانند جمشید که از برای خود تمثال ساخت و دعوی خدایی کرد، از اهورامزدا می‌خواهد که مردمان در نماز او را بستایند و از او نام برند (پورداد، ۱۳۷۷: ۱/۴۶۱). مهر در جهان هستی در اهتزاز است و قدرت و حکومت و شاهی را به هر کس که اراده کند ارزانی خواهد داشت. میترا نیز مانند جمشید همراه با بهرام و رشن و وایو همراه است (مینوی خرد، ۱۳۵۴: ۹۸؛ فرنبرگ دادگی، ۱۳۸۰: ۱۷۲). چنان که در اسطوره فر ایرانی، ایزد بهرام نگهبان مرزهای ایران زمین در کالبد باد تند و زیبا بوزید و فر نیک مزدا توسط او آورده شد (پورداد، ۱۳۷۷: ۲/۱۲۰). از انواع نقوش رایج در لباس سنگ‌نگاره‌های تاق‌بستان وجود نقش سرگرازان است. گراز نماد قدرت شجاعت و رشادت در جنگ بوده است و نمادی از ایزد بهرام و اقتدار سلحشورانه او می‌باشد. پنجمین تجلی ایزد بهرام به صورت گراز تیزدندان است (پورداد، ۱۳۹۴: ۲/۵۲۶؛ قلی‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۴۳). ایزد باد یا وایو در حجاری‌های ساسانی در تمثیل روبان‌های در اهتزاز به تصویر درآمده است (شکل ۸)، فر را در کنار شاهنشاه ساسانی نگاه‌داشته و ایزد بهرام برنده فر ایزدی در هفتمین مرحله به صورت مرغ شاهین جلوه‌گر است (پورداد، ۱۳۷۷: ۲/۱۲۳). شاهنشاه ساسانی که فر ایزدی و شاهی او در روز نخست آفریده شد موظف است بر عهد و پیمان نخستین پایبند باشد. بر اساس جهان بینی زرتشتی و جنگ میان خیر و شر، فر شاهی همواره در انتخاب شاه آرمانی به سراغ نماینده زمینی خواهد رفت که پیرو آیین مزدا

باشد زیرا شاه آرمانی در باورهای زرتشتی مجری قانون راستی و برقراری منش پاک در جهان اشته است و اوست که رابطه ناگسستگی بین سیاست و دین را برقرار نموده است زیرا سزاوارتر از همه به کار دین شاهنشاه است و او از جانب خدا برگزیده و انتخاب شده است. شاه نباید بگذارد مغان و روحانیون در کار دین از او سزاوارتر گردند (مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۱/۱۱۷؛ مسعودی، ۱۳۷۰: ۱/۲۳۸؛ تنسر، ۱۳۵۴: ۷۱) زیرا همواره میان انگره‌مینو و سپندمینو جنگی است برای به چنگ آوردن فر و هریک از آن دو چالاک‌ترین نیروهای خود را در پی به چنگ آوردن آن فرستادند، سپندمینو پیک‌های خویش بهمن و اردیبهشت و آذر را فرستاد و انگره‌مینو پیک‌های خود خشم و اژی‌دهاک را روانه داشت (دوستخواه، ۱۳۸۵: ۱/۴۹۳). شاهنشاه با گرفتن فر، از حامیان سپندمینو خواهد شد.

فر ودیعه‌ای از جانب اهورامزداست زیرا خود اهورامزداست که جویای سلطنت نیکی و شهریار دادگر است (پورداد، ۱۳۷۷: ۲/۵۵).

شاهنشاه ایرانی که گیرنده فر است باید سه ویژگی آن را حفظ نماید:

- ۱- اهریمن پرگزند را با راستی شکست دهد
- ۲- خشم، خونین سلاح را شکست دهد
- ۳- آزر را در هم شکند (پورداد، ۱۳۷۷: ۲/۲۰۴؛ پورداد، ۱۳۷۷: ۱/۴۲۵؛ پورداد، ۱۳۸۴: ۱۶۹؛ بلعمی، ۱۳۵۳: ۱/۳۵۳).



شکل ۸: خسرو پرویز سوار بر شبدیز حاله مقدس فر گرد سر او (عکس از نگارنده).

فردوسی، ۱۳۸۹: ۱۱؛ پورداد، ۱۳۷۷: ۱/۱۹۰). ضحاک که ایرانیان او را بیوراسب می‌نامند او بر جمشیدشاه پیروز شد و او را کشت بر دوش‌های او دو زائده به شکل مار بیرون آمده بود که همواره او را آزار می‌داد تا آنکه از مغز سر مردمان به آن می‌خوراند و آرام می‌گرفتند (دینوری، ۱۳۷۱: ۲۸، ۲۹؛ فردوسی، ۱۳۸۹: ۱۴). در باورهای مذهبی بین‌النهرین و ایلام مار مقدس بوده است و فر خدا در وجود مار ودیعه داشت، آن را می‌پرستیدند مار حافظ آب، خرد و ثروت بوده است (الیاده، ۱۳۸۷: ۳۸). مارها بر دروازه‌ها، به گرد سر شاهان، به گرد محرابها، و بر دسته سلاحها و کوزه‌ها

فر هیچ‌گاه نمی‌تواند در وجود شخصی غیر ایرانی جلوه‌گر شود همانگونه که افراسیاب تورانی تبهکار به آرزوی ربودن فر به دریای فراخ کرت رفت در پی فر شتافت فر از دسترس او بدر رفت (دوستخواه، ۱۳۸۵: ۱/۴۹۵) و در داستان ضحاک تازی مشخص است، در جنگ ضحاک و آذر برای به دست آوردن فر ایزدی، ضحاک از بیم آذر که نماد تقدس قوم آریایی است نتوانست فر را به چنگ آورد (دوستخواه، ۱۳۸۵: ۱/۴۹۳؛ پورداد، ۱۳۷۷: ۲/۳۴۰). ضحاک که مهمترین مشخصه او سامی و عرب‌نژاد بودن است (اصفهانی، ۱۳۸۵: ۱/۲۰؛ بیرونی، ۱۳۷۷: ۱۴۶؛



شکل ۹: نقش اردشیر و ستاندن فر از اهورا مزدا در نقش رستم (عکس از نگارنده).

صحنه دیهیم‌ستانی شاهنشاه اردشیر پاپکان در نقش رستم، زیر پای اسب شاهنشاه پیکر اردوان (پنجم) با لباس و هیبت پادشاهی و زیر پای اسب اهوره‌مزدا تصویر اهریمن به چشم می‌خورد (شکل ۹). دور گردن و اطراف سر اهریمن را مارها احاطه کرده‌اند و مار همچنان دشمن اهورامزداست، مار می‌تواند تمثیلی از ضحاک مار به دوش باشد. با ورود مهاجرین آریایی در دوره جمشید به نجد ایران با اقوام بومی قدرتمندی رو به رو می‌شوند که گاه‌آ از لحاظ اقتصادی و صنعتی و حتی نظامی قدرتمندتر از آریایی‌های مهاجر بودند، و در دوره‌های بعدشاهزادگان آریایی را می‌بینیم که در محدوده نجد حاصل‌خیز روی کار آمده‌اند و وارثان تمدنی شده‌اند که سومری‌ها و سامی‌ها آفریدند (چایلد، ۱۳۸۶: ۳۲). در آغاز جنگ‌هایی بین مردمان ایرانی و بومیان نجد ایران روی داده است (فرای، ۱۳۷۷: ۴۴) در این رویارویی جنگ‌های سختی درگرفت ابتدا برتری از آن اقوام بومی (سامی) بود، این جنگ‌های خونین منجر به شکست اقوام آریایی مهاجر شد و در اسطوره جمشید و کشته شدنش به دست ضحاک مار دوش بیان شده‌است (باوند، ۱۳۷۹: ۵۰؛ صفا، ۱۳۷۹: ۴۵۶).

و گلدانها و... نقش می‌شدند و در حالی که به خود پیچیده بودند، تختگاه خدایان بوده است. مار در فرهنگ سامی به مرز خدایی رسیده بود (بهار، ۱۳۹۰: ۱۴۰؛ جوزی، ۱۳۷۲: ۹۵). ماردوشی ضحاک ناشی از نفوذ افسانه‌ها و اسطوره‌های بابلی است؛ زیرا مار نقش مهمی در این اسطوره ایفا می‌کند و خدایان سامی بسیاری وجود دارند که مار یا مارهایی بر دوش دارند (واحد دوست، ۱۳۸۷: ۱۵۹). در هنر نوبابلی و نوآشوری و متون مذهبی، مار را خدا یا تمثیلی از فر خدا معرفی می‌کنند، نقش دو مار در هم تنیده به گونه‌ای که انگار تکه‌ای از طناب هستند، در بین‌النهرین نقشی متداول بوده است. یکی از نمونه‌های آن گلدانی است که گودآش حاکم لاگاش آن را به خدایی که خود مارهای شاخداري همانند ضحاک بر دوش دارد، تقدیم می‌کند (مهاجرانی، ۱۳۶۹: ۳۳).

قدیمی‌ترین نقش ماردوش یک مهر استوانه‌ای با قدمت ۳۲۰۰ سال قبل از میلاد است، که از شوش، پایتخت ایلام باستان به دست آمده است (پرادا، ۱۳۴۵: ۸۳). در بالای نقش ماردوش، عقابی و ماری دیده می‌شوند، که با هم سرجنگ دارند. جالب است بدانیم که گزنفون پرچم جنگی کوروش را یک عقاب معرفی کرده است (گزنفون، ۱۳۸۳: ۱۹۴). مار و عقاب دشمن یکدیگرند (ژیران، ۱۳۸۹: ۶۳) نکته قابل توجه این‌که فر جمشید سه بار و هر بار چون عقاب از او جدا می‌گردد و پادشاهی او توسط ضحاک ماردوش غصب می‌شود. این درحالی است که در جدال مار با عقاب، در اساطیر بین‌النهرین، مار نماد فر؛ ولی در ایران عقاب فر است. جدال و مار و عقاب تضاد فرهنگی آن را آشکار می‌کند (مهین‌فر، ۱۳۸۳: ۵۶؛ موری، ۱۳۸۰: ۳۵).

نتیجه‌گیری

در شاهنشاهی ساسانی، تاج نشانه‌ای از وابستگی شاه به *اساطیر* کهن ایرانی است که در تمثیل بال شاهین، پرتو خورشید و نقش ستاره و هلال ماه و... که در تزئینات و حجاری‌های تاق‌بزرگ تاق‌بستان به نمایش درآمده‌اند مشخص است و سرانجام نوار دیهیم که به دور تاج بسته می‌شد پایبندی *دینی* شاهنشاه به باورهای اوستایی و دینی بود. حجار تاق‌بستان موظف بوده‌است اسطوره‌فَر و آفرینش آغازین را در شکل نماد و نشان در برابر تاریخ شاهنشاهی شاه بزرگ مجسم کند تا به تقدس شاهنشاهی شکوهی ازلی و ابدی دهد. ستاندن فَر و دیهیم شاهی از روحانی زرتشتی یا یکی از ایزدان و مینویان مانند: ایزد وایو، ایزدبهرام، اناهیتا و میترا و... بازگوکننده این مقام است. شاهنشاه نماینده ایزد مهر بر روی زمین و به مانند ایزد مهر او نگهبان ایران است. در بیشتر حجاری‌های ساسانی به خصوص در تاق‌بستان همواره دو نوار در پشت شاهان و ایزدان مینوی در اهتزاز است که رابطه مستقیم با ایزد وایو دارد. باد همواره این دو نوار را در اهتزاز نگه‌داشته است. ایزد بهرام برنده فَر ایزدی و نگهبان ایران و شکوه شاهنشاهی به صورت مرغ شاهین و باد جلوه‌گراست همان شاهینی که از جمشید پیشدادی جدا شد و توسط ایزد مهر بر تاج پادشاهان ساسانی بالهای خود را گشود. از این نور ایزد مهر بر گرد سر شاهنشاه ساسانی درخشش دارد و چهره آنان همچون مهر در تابش است. پادشاهان ساسانی همواره خود را چهر از ایزدان معرفی کرده‌اند. تاق‌های تاق‌بستان جلوه‌ای از مهرکده میتراست و نمادهای ساسانی نقش‌بسته در تاق‌بستان تداعی‌گر اسطوره آفرینش و خلقت فَر مقدس آغازین است

فَر شاهی از جمشید ستانده و ایزد مهر آن را دریافت کرد. اما سرانجام با آمدن فریدون پیشدادی که او نخستین کس است ضحاک مار به دوش را شکست می‌دهد و فَر ایزدی را دوباره به سرزمین ایران باز می‌گرداند و نخستین کس است که آتشکده می‌سازد (مسعودی، ۱۳۷۰: ۱/۴۸۳؛ پیرنیا، ۱۳۷۷: ۱/ ۳۷؛ ثعالبی، ۱۳۸۵: ۱۹؛ ابن‌اثیر، ۱۳۷۰: ۱/۹۱؛ فردوسی، ۱۳۸۹: ۲۶). در اسطوره فریدون تمام الگوهای داستان گاو نهفته است، فریدون چون زاده شده ماده گاوی که برمایون نام داشت او را شیر داد، سرانجام ضحاک ماده گاو را سر برید اما فریدون در نگاهداشت، نگاهدارنده چون ماه بالیدن گرفت و در حمایت خداوند بود (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۲۶). ضحاک دین و فرهنگ مردمان سامی را با سمبل و فَر مار بر دیانت مردمان آریایی که سمبل آن آتش و عقاب بود چیره گردانید. هنگامی که بین آتش گوهر مقدس آریایی و ضحاک مار دوش، نماد دیو اهریمنی و پادشاه انیرانی (غیر ایرانی) برای به دست آوردن فَر جنگ درمی‌گیرد هیچ‌گاه ضحاک پیروز نخواهد شد زیرا او بر دین آریایی پایبند نیست (پورداد، ۱۳۷۷: ۲/۳۴۰). از اهریمن تا ضحاک و سرانجام اسکندر که مهم‌ترین شاخصه آنان خاموش کردن آتش و ویرانی آتشکده‌ها بوده، هیچ‌گاه نتوانستند فَر ایزدی را تصاحب کنند (مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۹۴). آتش نگهبان فَر ایزدی و مظهر دین ایران باستان است و فَر نگهبان ایران، چنان‌که خسروانوشیروان می‌گفت: آنگاه که مردم سراسر کشور به فَر ایزدی از دشمنان بیاسودند (مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۱۷۴).

اوستا (۱۳۷۱/۱۳۸۰). ترجمه و گزارش جلیل دوستخواه. جلد اول و دوم. تهران: مروارید.

باوند، کیوس (۱۳۷۹). تاریخ تطبیقی باستانی ایران تا خاتمه شاهنشاهی داریوش سوم، تهران: گوتبرگ.

بهار، مهرداد (۱۳۸۱). ادیان آسیایی، تهران: چشمه.

بهار، مهرداد (۱۳۶۲). پژوهشی در اساطیر ایران، جلد اول. تهران: توس.

بویس، مری (۱۳۷۵). تاریخ کیش زرتشت، جلد اول و دوم، ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران: توس.

بیرونی، ابوریحان (۱۳۸۶). آثار الباقیه، ترجمه اکبر داناسرشت. چاپ پنجم. تهران: انتشارات امیرکبیر.

پرادا، ایدت (۱۳۹۱). هنر ایران باستان، ترجمه یوسف مجیدزاده. تهران: دانشگاه تهران.

پوپ، الکساندر (۱۳۳۸). شاهکارهای هنر ایران، ترجمه و اقتباس و نگارش، پرویز ناتل خانلری. تهران: علمی و فرهنگی.

پورداد، ابراهیم (۱۳۷۷). گزارش پشت‌ها، جلد اول، تهران: اساطیر.

پورداد، ابراهیم (۱۳۷۸/۱۳۸۴). گزارش‌گاتها کهن‌ترین بخش اوستا. تهران: اساطیر.

پورداد، ابراهیم (۱۳۹۴). گزارش پشت‌ها، جلد دوم، چاپ اول. تهران: نگاه.

پیرنیا، حسن (۱۳۷۷). عصر اساطیری تاریخ ایران، تهران: هیرمند.

ثعالبی، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل (۱۳۶۸). غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم، ترجمه محمد فضاییلی. جلد اول. تهران: نقره.

که در جلوه مشی و مشیانه در تمثیل دو گیاه در پای تاق‌بزرگ تاق‌بستان تجسم یافته‌است. در اوج تاق نقش ماه حجاری شده ماه جایگاه و نگهدارنده نطفه آغازین خلقت بوده است و مطابق ماه یشت دو امشاسپند قر ماه را جمع می‌کنند و آن قر مقدس را بر زمین می‌افشانند تا آفرینش بارور گردد. همان فرشتگانی که در تاق‌بستان قر را از ماه میگیرند و بر گیاه آغازین خلقت که در پای تاق حجاری شده می‌افشانند. قر در پادشاهان پیشدادی در عدل و قانون و راستی به ظهور رسید، و چون تابش ماه در صورت جمشید به درخشش درآمد، جمشید دروغ گفت قر از او توسط میترا درخشنده ستانده شد و سرانجام در نمادها و نشانهای میتراپی در تاق‌بستان در چهره شاهنشاه ساسانی دوباره جان گرفت و به پرتو افشانی درآمد. پادشاهان ساسانی موظفند قر را از ایزد مهر بستانند و چون مهر فراخ چراگاه نگهبان ایران باشند.

منابع

ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۷۰). الکامل فی التاریخ، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی. جلد اول و دوم، چاپ اول. تهران: اساطیر.

استرابو (۱۳۸۲). جغرافیای استرابو (سرزمین‌های زیر فرمان هخامنشیان)، ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران: انتشارات فانوس.

اصفهانی، حمزه بن حسن (۱۳۴۶). تاریخ پیامبران و شاهان، ترجمه جعفر شعار. چاپ دوم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

اوپانیساد (۱۳۶۸). ترجمه محمد دارا شکوه. به اهتمام تاراچند و سید محمدرضا جلالی نائینی. تهران: علمی.

- جلالی نائینی، سید محمدرضا (۱۳۶۱). *الملل و النحل*، مصطفی خالقدادهاشمی. تهران: انتشارات اقبال.
- جوادی، شهره، آورزمانی، فریدون (۱۳۸۸). *سنگ‌نگاره‌های ساسانی*. تهران: بنیاد نیشابور.
- چایلد، گوردون (۱۳۸۶). *آریایی‌ها*، ترجمه محمدتقی فرامرزی. تهران: نگاه.
- حاتم، غلامعلی، (۱۳۹۲). *خسرو و شبدیز در طاق بستان*، در مجموعه مقالات کتاب: طاق بستان، به کوشش بهمن نامور مطلق. تهران: سخن، ۹-۳۰.
- حسینی قزوینی، شرف‌الدین فضل‌اله (۱۳۸۳). *المعجم فی آثار ملوک المعجم*، تصحیح احمد فتوحی نسب. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- دریایی، تورج (۱۳۸۳). *شاهنشاهی ساسانیان*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس.
- دریایی، تورج (۱۳۸۴). *ایران ساسانی*، در: *تاریخ و فرهنگ ساسانی*، ترجمه مهرداد قدرت‌دیزجی. چاپ دوم. تهران: ققنوس.
- دریایی، تورج (۱۳۸۴). *سرشت تاریخ نگاری زردشتی در دوره ساسانی*، در: *تاریخ و فرهنگ ساسانی*، ترجمه مهرداد قدرت‌دیزجی، چاپ دوم. تهران: ققنوس.
- دریایی، تورج (۱۳۹۲). *ساسانیان*، ترجمه شهرناز اعتمادی. تهران: توس.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۷۱). *اخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی‌دامغانی، چاپ چهارم. تهران: نشر نی.
- رجبی، پرویز (۱۳۸۳). *هزاره‌های گم شده*، جلد پنجم. تهران: توس.
- رضی، هاشم (۱۳۷۶). *گزارش وندیداد*، جلد چهارم، تهران: انتشارات فکر روز.
- رضی، هاشم (۱۳۸۱). *تاریخ آیین راز آمیز میتراپی در شرق و غرب از آغاز تا امروز*، چاپ دوم. تهران: بهجت.
- ریاضی، محمدرضا (۱۳۸۲). *طرحها و نقوش لباسها و بافته‌های ساسانی*. تهران: گنجینه هنر.
- ریگ‌ودا (۱۳۷۲). *ترجمه محمدرضا جلالی نائینی*. تهران: انتشارات نقره.
- زادسپریم (۱۳۶۶). *گزیده‌های زادسپریم*، ترجمه: محمد تقی راشد محصل. تهران: انتشارات موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- زفر، آر. سی. (۱۳۷۵). *طلوع و غروب زرتشتی‌گری*، ترجمه تیمور قادری. تهران: فکر روز.
- ژیران، فیلیکس، لویی ژوزف دلاپورت (۱۳۸۹). *اساطیر آشور و بابل*، ترجمه ابولقاسم اسماعیل‌پور. تهران: فکر روز.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۷۰). *تاریخ ایران*، ترجمه سید محمد تقی فخرداعی گیلانی، جلد اول، چاپ سوم. تهران: دنیای کتاب.
- سرفراز، علی‌اکبر، بهمن فیروزمندی (۱۳۸۱). *باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی*. تهران: عفاف.
- سرفراز، علی‌اکبر، فریدون آورزمانی (۱۳۷۹). *سکه‌های ایران*. تهران: سمت.
- شارپ، ولف نارمن (۱۳۸۲). *فرمانهای شاهنشاهی هخامنشی*. تهران: انتشارات پازینه.

- شوالیه، ژان (۱۳۷۶). فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی. تهران: جیحون.
- شورتهایم، المار (۱۳۸۷). گسترش یک آیین ایرانی در اروپا، ترجمه نادر قلی درخشانی. تهران: انتشارات ثالث.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۹). حماسه‌سرایی در ایران، تهران: امیر کبیر.
- عربان، سعید (۱۳۸۲). راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی-پارتی). تهران: معاونت پژوهشگاه زبان و گویش.
- عطایی، محمدتقی (۱۳۸۸). ردّ پای میترا در پارس هخامنشی: بررسی نقش گاو بر قطعه سفال تخت جمشید. باستان‌پژوهی، ۳ (۶).
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۷۷). میراث باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب‌نیا. چاپ پنجم. تهران: علمی فرهنگی فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). شاهنامه فردوسی. تهران: بهزاد.
- فرنخ دادگی (۱۳۸۰). بندهش، ترجمه مهرداد بهار، تهران، چاپ دوم. تهران: توس.
- فرنخ دادگی (۱۳۸۰). بندهش، ترجمه مهرداد بهار. تهران: انتشارات توس.
- فریه، ر. دبلیو (۱۳۷۴). هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان. تهران: فرزانه روز.
- قلی‌زاده، خسرو (۱۳۸۸). فرهنگ اساطیری ایرانی، چاپ سوم. تهران: کتاب پارسه.
- کومن، فرانسیس (۱۳۸۳). آیین پر رمز راز میترا، ترجمه هاشم رضی. تهران: بهجت.
- گزنفون (۱۳۸۳). کوروش‌نامه، ترجمه رضا مشایخی. تهران: علمی و فرهنگی.
- گویری، سوزان (۱۳۸۵). آناهیتا در اسطوره‌های ایرانی. تهران: ققنوس.
- گیرشمن، رمان (۱۳۶۸). ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، چاپ پنجم. تهران: علمی و فرهنگی.
- مرکلباخ، راینهولد، (۱۳۸۷). میترا و آیین و تاریخ، ترجمه توفیق گلی‌زاده. تهران: نشر اختران.
- مسعودی، علی‌ابن‌حسین مسعودی (۱۳۷۰). مروج‌الذهب و معادن‌الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده. جلد اول، چاپ چهارم. تهران: علمی و فرهنگی.
- مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۶۹). تجارب‌الامم، ترجمه ابولقاسم امامی. تهران: سروش.
- مک‌کال، هنریتا (۱۳۷۳). اسطوره‌های بین‌النهرینی، ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر مرکز.
- مهاجرانی، عطاء‌الله (۱۳۶۹). گزندباد. تهران: اطلاعات.
- مهبین‌فر، سیاره (۱۳۸۳). اسطوره حماسه ضحاک و فریدون. تهران: شهر قصه.
- موری، پی. آر. اس (۱۳۸۰). ایران باستان، ترجمه شهرام جلیلیان. تهران: فروهر.
- موسوی حاجی، سیدرسول (۱۳۹۲). نگارنده‌های طاق‌بستان - خسرو پرویز، اردشیر سوم یا پیروز اول؟ طاق‌بستان، به کوشش بهمن نامور مطلق. تهران: سخن، ۶۸-۴۵.
- موسوی حاجی، سیدرسول (۱۳۸۷). تاملی دیگر در اثبات هویت واقعی و محتوای تاریخی نقش برجسته‌های تاق بزرگ تاق‌بستان. هنرهای زیبا، ۳ (۳۵)، ۸۵-۹۲.

the British museum. *Journal of Near Eastern Studies*, 35(3), 183-187.

Fukai, S. (1991). *Photogrammetric doubt*, the bulletin of the ancient orient museum, vol. 4.

McDonough, S. (2011). Were the Sasanians Barbarians? Roman Writers on the Empire of the Persians, In R.W. Mathisen, D. Shanzer (Eds.), *Romans, Barbarians, and the Transformation of the Roman World: Cultural Interaction and the Creation of Identity in Late Antiquity*. London: Ashgate Publishing.

Harris, J. (Ed.). (1993). *5000 years of textiles* (p. 243). London: British Museum Press.

مینوی‌خرد (۱۳۵۴). ترجمه و گزارش احمد تفضلی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

نامورمطلق، بهمن (۱۳۹۲). *اسطوره‌سازی یا اسطوره-شکنی در طاق‌بستان، طاق‌بستان، به کوشش بهمن نامور مطلق*. تهران: سخن، ۶۹-۹۲.

نیبور، کارستن (۱۳۵۴). *سفرنامه کارستن نیبور*، ترجمه پرویز رجبی. تهران: توکا.

هردوت (۱۳۸۳). *تاریخ هردوت*، جلد ۱، ترجمه هادی هدایتی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

واحد دوست، مهوش (۱۳۸۱). *رویکرد علمی به اسطوره-شناسی*. تهران: سروش.

واحد دوست، مهوش (۱۳۸۷). *نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی*. تهران: سروش.

وارنر، رکس (۱۳۸۶). *دانشنامه اساطیر جهان*، ترجمه ابولقاسم اسماعیل‌پور، چاپ اول. تهران: اسطوره.

وندیداد (۱۳۷۶). *جلد اول و دوم*، ترجمه هاشم رضی. تهران: فکر روز.

الیاده، میرچا (۱۳۸۷). *اسطوره، روایا، راز*، ترجمه رویا منجم. تهران: فکر روز.

Babelon, E. (1897). *Catalogue des camées antiques et modernes de la Bibliothèque Nationale* (Vol. 1). Leroux.

Lerner, J. (1975). A note on Sasanian harpies. *Iran*, 13, 166-171.

Lerner, J. A. (1976). Sasanian seals in the department of medieval and later antiquities of